

به مناسبت سالروز شهادت مرتضی آوینی؛ گذری بر مفهوم هنر متعهد بانیم نگاهی به فیلم «ماجرای نیمروز»

هنر در خدمت آرمان

پاسخ به ۳۱ سوال مهم درباره

این روزها وقتی صحبت از هنر متعهد می‌شود، نمی‌شودر دپای پر رنگ هنرمندان نسل سومی را نادیده گرفت؛ از «تنهای تنهای تنها» و «شیار ۱۴۳» تا «سیانور» و حالا «ماجرای نیمروز»، هر کدام آثاری هستند که توسط هنرمندانی جوان، کم ادعا اما پر دغدغه تولید شده‌اند تا به جریان هنر متعهد رنگی تازه و دلنشین بدهند. لطف حضور هنرمندان جوان در جریان تولید آثار بزرگ و قابل تامل، این است که می‌توانند با درک بهتری از شرایط نسل خودشان و نسل‌های بعدی، همین طور مسائل و دغدغه‌های روز جامعه با بیانی کارآمدتر مخاطب را درگیر محتوایی کنند که دغدغه‌مند است، اما شعاری و سفارشی نیست. «ماجرای نیمروز» تازه‌ترین اثر این جریان است که از اکران نوروز تا الان با استقبال خوبی مواجه شد و ثابت کرد مستحق جوایزی است که در جشنواره نصیصش شده. به مناسبت سالروز شهادت شهید آوینی و روز هنر انقلاب اسلامی، به چند سوال مهم درباره این فیلم پاسخ می‌دهیم.

۱ چرا با فیلم مهمی مواجهیم؟

«ماجرای نیمروز» مثل یک چراغ قوه است که در لایه لای صفحات تاریخی که کمابیش در حال فراموشی است، نور را انداخته روی مقطعی حساس، یعنی زمانی که منافقان با ترور شخصیت‌ها و حتی مردم کوچه بازار، سایه سنگین خشونت و دلهره را روی جامعه‌ای می‌اندازند که درگیر جنگ تحمیلی است. «ماجرای نیمروز» اثر محمدحسین مهدویان که تجربه مستندسازی‌های موفق مثل «آخرین روزهای زمستان» و تولید «ایستاده در غبار» را دارد سعی می‌کند با روایتی خطی و از زاویه دید ۵ مامور امنیتی، داستان پر دلهره آن روزها را برای ما روایت کند. آن

جایی که ماموران امنیتی در تلاش هستند توطئه‌های بعدی منافقان را خنثی و شبکه آن‌ها را با دستگیری نفر اصلی منهدم کنند. داستانی که باید بشنویم و برای نسل بعدی روایت کنیم تا با تاریخش آشنا شود. با این حساب فیلم را می‌توان در زمره آثار هنری متعهد هم دانست، چون برای آگاهی بخشی به مخاطب تولید شده و کارگردان به تولید آن مبادرت نکرده تا قدرت فیلم‌سازی خودش را به رخ مخاطب و جشنواره‌ها بکشد.

۲ چرا با فیلم جذابی مواجهیم؟

سینما وقتی جذاب است که در کنار محتوای خوب و سالم، مخاطب را به‌تماشای تجربه‌ای نزدیک کند که در زندگی روزمره امکان درکش وجود ندارد. سوای این که فیلم مقطعی را تاریخ را برای ما روایت می‌کند که گذشته، ما را نفس به نفس با چند مامور امنیتی همراه می‌کند، تلاش آن‌ها را می‌بینیم، با پشت پرده روند کار آن‌ها، در مقطعی که کشور درگیر جنگ است و امکانات و نیروی انسانی هم بسیار کم است آشنا می‌شویم. در کنار این تعلیق جالب و حتی نفس‌گیر می‌توان از لحن جالب، فضاسازی، طراحی لباس و صحنه و گریم‌های نوستالژیک و بازی‌های دلنشین هم لذت برد. بازی جواد عزتی و احمد مهرانفر که بیشتر در آثار کمدی حضور دارند چشمگیر و غافلگیر کننده است.

۳ چرا باید فیلم را دید؟

«ماجرای نیمروز» طعم متفاوتی به سینمای عیوس ما تزریق می‌کند. مخاطبان از فیلم‌های اجتماعی تلخ و آپارتمانی دلزده شده‌اند و بیشتر کمدی‌های سیخف را هم نازل و توهین به شعور مخاطب می‌دانند اما «ماجرای نیمروز» یک اثر پرچالش، با ریتم جذاب است. از همه‌مهم‌تر، اثر یک کارگردان جوان ارزش حمایت دارد تا تهیه‌کننده‌ها و سرمایه‌گذارها به چنین آثار و چنین افرادی اعتماد کنند و جریان سینمای کشور جوان و پرتلاوت شود. امروز کسی نیست که از تجربه موفق فیلم‌سازی امثال «نرگس آبیار»، «بهرروز شعبی»، «سعید روستایی»، «بهرام توکلی» و «هوم سیدی» ناراحت باشد به خصوص که این جوانان در ژانرها و موضوعات مختلف توانستند در برابر سینمای رخوت زده نسل‌های قبل، خون تازه‌ای به سینمای کشور تزریق کنند.

۳+۱ چرا ممکن است از فیلم خوشمان نیاید؟

زاویه دید فیلم طوری است که مخاطب از ماموران امنیتی جلو نمی‌زند برای همین امکان تحلیل انگیزه‌ها و رفتار طرف مقابل از مخاطب سلب می‌شود و با یک لایه از داستان یعنی ترورها مواجهیم نه بیشتر. از طرفی سبک مستندگونه فیلم‌سازی مهدویان مثل حضور دوربین پشت دیوار یا دیگر اجزای صحنه به عنوان یک ناظر بیرونی در دقایق زیادی نوی چشم است و گاهی آزاردهنده می‌شود چون شخصیت‌ها در حال صحبت هستند و ما از لایه لای کرکره‌ها و دیوارها و آدم‌های در حال رفت و آمد آن‌ها را می‌بینیم.

بیست و چهار سال از شهادت «سید مرتضی آوینی»، مستندساز، روزنامه‌نگار و هنرمند انقلابی می‌گذرد. بیستم فروردین، سالروز شهادت او که با آثار ماندگاری مثل مجموعه مستندهای «روایت فتح» جاودانه شد، «روز هنر متعهد و انقلابی» در تقویم رسمی کشور نام گرفته است. هنر متعهد، هنری است در خدمت باورها و اعتقادات ملی مذهبی؛ مفهومی که با انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت و بعدها در سال‌های دفاع مقدس، با تلاش شهید آوینی به اوج رسید. آوینی هنرمندی بود که هنر و به شکل خاص مدیوم تصویر را در مسیر تبیین اندیشه و باورهای الهی و انقلابی به کار گرفته بود؛ باورهایی که در نهایت جانش را در راهشان داد. هرچند آوینی رفته اما در تمام این سال‌ها، هنرمندان کشورمان پرچم هنر متعهد را در ادبیات و هنرهای تجسمی و سینما، برافراشته نگه داشته‌اند و محمدحسین مهدویان، کارگردان فیلم تحسین شده «ماجرای نیمروز» یکی از این چهره‌هاست؛ جوانی که فیلمسازی‌اش را در موسسه روایت‌فتح شروع کرده و آثارش در این سال‌ها از بهترین نمونه‌های اثر هنری متعهد به حساب می‌آید. به مناسبت روز هنر انقلابی و به بهانه اکران موفق «ماجرای نیمروز»، مروری داریم بر مفهوم و تاریخچه هنر متعهد در ایران، مسیری که آوینی را آوینی کرد و نگاهی داریم بر این فیلم. با ما همراه باشید.

هنر متعهد چیست و هنرمند متعهد کیست؟

یک هنر پویا و حقیقت طلب



(بر پایه تفکراتی که موجب به بار نشستن انقلاب شد) شکل بگیرد به نام «هنر انقلاب اسلامی»؛ هنری در خدمت باورها و اعتقادات ملی مذهبی که با انقلاب اسلامی در سال ۵۷ شکل گرفت و با جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، به اوج پویایی رسید و همچنان، فعال و زنده به حیات خود ادامه می‌دهد.

مهم‌ترین شاخصه‌های هنر انقلابی چیست؟

از مهم‌ترین شاخصه‌های هنر انقلابی، ویژگی ضدسلطه و حریت و آزادی و آزادی‌طلبی آن است. هنر انقلاب اسلامی با فطرت الهی انسان‌ها همسو است و به واسطه حق و حقیقت‌طلبی‌اش، راهی است به سمت کسب معرفت. هنر انقلابی، هنری تخیل‌گرا و ویژه خواص جامعه نیست؛ هنری است برخاسته از دل و ذهن هنرمندان مردمی برای مردم. هنری که جامعه را به مقاومت و ایستادگی برسر ارزش‌ها و آرمان‌هایی دعوت می‌کند که بابتش انقلاب کردند و جنگیدند و حتی برایش جان دادند.

هنرمند متعهد و انقلابی کیست؟

شاید بارزترین ویژگی یک هنرمند متعهد به تعبیر شهید آوینی، مسئولیت‌شناسی باشد. مسئولیتی که در قبال هنر و فرهنگ و مردم و کشور و باورها و اعتقاداتش احساس می‌کند. آوینی معتقد بود: «هنرمند

با پیروزی انقلاب اسلامی، تعالی و تعهد، وارد هنر می‌شود؛ هنری که پیش از این به شکل خودجوش و مردمی در خدمت انقلاب قرار گرفته بود. مردم ایران در جریان مبارزات انقلابی، هنر را درک کردند، شناختند، فهمیدند، هنر بخشی از زندگی‌شان شد و با قلم و رنگ و کلام و صدا آشنا شدند و آن‌ها را به تسخیر و تسلیم هدفشان درآوردند.

دیوارها، تبدیل به بوم‌های نقاشی شد. شابلون کاری‌ها، پرتره چهره‌های انقلابی را نقش زد. شعر و شعار، رنگ‌آزادگی گرفت و از دل این جوش و خروش، هنرمندانی برخاستند که هنر ناب و متعهدشان را در مسیر تبیین ارزش‌های اسلام و انقلاب به کار گرفتند.

روز هنر انقلاب اسلامی چطور شکل گرفت؟

بیست و چهار سال پیش، روز تشییع پیکر شهید آوینی در حوزه هنری، رهبر انقلاب، شخصا در مراسم تشییع شرکت کرد و انتخاب نام «سید شهیدان اهل قلم» برای سیدمرتضی، تأکید ویژه‌ای بود بر ارزش نقش و جایگاه هنر و هنرمندان در قاموس انقلاب اسلامی. این روز، شایستگی این را داشت که به عنوان روز هنر انقلاب اسلامی انتخاب شود و هنرمندان حوزه فکر و آرمان‌های انقلاب اسلامی، این روز را متعلق به خودشان می‌دانند.

هنر انقلابی، به چه معناست؟

انقلاب ایران، یک انقلاب اسلامی است و این نشان‌دهنده تفکری است که باعث به وجود آمدنش شده. هنر اصیل هم، برپایه تفکر و تعمق استوار است و هنری که اندیشه متعالی پشت آن نباشد، جایگاه برتری ندارد. بنابراین طبیعی است که از دل چنین انقلابی، رویکرد جدیدی به هنر

از کامران تا سیدمرتضی

جهان درونی شروع کرد تا بتواند با خودشناسی و خودسازی، منشأ تغییر جهان هم باشد.

سید مرتضی آوینی یک منتقد غرُرو که با تخریب دیگران سعی در تأیید و بالا بردن خودش داشته باشد، نبود! به آنچه می‌گفت ایمان داشت، به آنچه می‌نوشت باور داشت و عشق به دین و کشورش را در عمل ثابت کرد. خلاصه فقط نظریه پرداز نبود، پیشرو بود و در عمل نشان می‌داد چگونه باید بود.

«منبت نداشت، نفوذ کلامش در آثار فقط متأثر از تکنیک نبود، از جنس حکمت و دریافت درونی و نوعی اشراق منحصر به فرد بود. شاید این منبت نداشتن از همان آتش زدن نوشته‌ها در جوانی کلید خورده بود. هر چه بود می‌دانستیم در آن لحن پرسوز، در آن

کامران آوینی (گفته می‌شود شهید آوینی در جوانی خود را کامران آوینی معرفی می‌کرد) جوانی پرشور با سبیل نیچه‌ای، اهل مطالعه، فکر و هنر بود، شعر نو دوست داشت، کتاب‌های باکلاس در دست می‌گرفت طوری که جلدش معلوم باشد و همه بدانند چه می‌خواند، با گذر زمان و تغییر نگاهش به جایی رسید که چند کیسه از مطالب و یادداشت‌هایش را روی هم ریخت و آتش زد تا از آنچه بوده بگذرد و بتواند آدم تازه‌ای شود. حالا مرتضی آوینی را با لقب «سید شهیدان اهل قلم» می‌شناسیم، روز شهادتش در فکه هم روز هنر انقلاب اسلامی است، اما آن کامران چه مسیری را طی کرد که به این سید مرتضی که ما می‌شناسیم ختم شد؟

* از خودش شروع کرد، به جای تفسیر پی در پی جهان از تغییر